

در سرمقاله روزنامه صدای ایران آمده است؛

تنگه هرمز دیگر به وضعیت سابق برنمی گردد؛ جمهوری اسلامی چگونه این آبراه راهبردی را به دال مرکزی نظم امنیتی جدید غرب آسیا تبدیل می کند؟

تا پیش از جنگ اخیر، نوعی معادله امنیتی و بازدارندگی در غرب آسیا شکل گرفته بود که محور ضدایرانی منطقه، با تمام لفاظی‌ها و تهدیدها، اما خط قرمز تهران را رعایت کرده و حتی رفت‌وبرگشت‌های امنیتی خود را با ایران در همان چهارچوب مدیریت می‌کردند. این معادله قدرت، با دو تهاجم اخیر، جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، عملاً از هم پاشیده شد. فضای فعلی پساجنگ، از نوعی است که هرچند ضرباتی جدی بر پیکره ائتلاف امریکایی - اسرائیلی وارد شده است، اما هنوز معادله جدیدی هم شکل نگرفته که کشور را بیمه و سایه جنگ را از ایران عزیز دور کند.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، تا پیش از جنگ اخیر، نوعی معادله امنیتی و بازدارندگی در غرب آسیا شکل گرفته بود که محور ضدایرانی منطقه، با تمام لفاظی‌ها و تهدیدها، اما خط قرمز تهران را رعایت کرده و حتی رفت‌وبرگشت‌های امنیتی خود را با ایران در همان چهارچوب مدیریت می‌کردند. این معادله قدرت، با دو تهاجم اخیر، جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، عملاً از هم پاشیده شد. فضای فعلی پساجنگ، از نوعی است که هرچند ضرباتی جدی بر پیکره ائتلاف امریکایی - اسرائیلی وارد شده است، اما هنوز معادله جدیدی هم شکل نگرفته که کشور را بیمه و سایه جنگ را از ایران عزیز دور کند.

جمهوری اسلامی ایران، با تجربه جنگ ۴۰ روزه اخیر، در سطوح راهبردی تغییراتی در نظام محاسباتی خویش به عمل آورد. اجرای دقیق راهبرد جنگ منطقه‌ای و ضربه به هر نقطه‌ای که مبدأ تجاوز به حریم ایران باشد، در کنار تجربه بعضی اقدامات تهاجمی دقیق و عمیق در عمق اهداف دشمن، راهبرد خویشتن‌دارانه سه دهه گذشته ایران را به سمت یک راهبرد تهاجمی و از موضع قدرت تغییر داده است. بعضی قرائن این تغییر را از اتفاقات چند هفته اخیر هم می‌توان رصد کرد. جمهوری اسلامی ایران، راه اصلی دور کردن سایه جنگ از کشور را برقراری یک نظام و معادله امنیتی جدید می‌داند که سطوح جدیدی از بازدارندگی را مبتنی بر رفتار راهبردی پساجنگ ۴۰ روزه برقرار کند.

در این نگاه، تنگه هرمز دیگر صرفاً یک ابزار فشار یا اهرمی برای امتیازگیری نیست. ایران این مفهوم را دال مرکزی نظم امنیتی جدید منطقه غرب آسیا تعریف کرده است. هندسه جدید امنیتی و نظامی غرب آسیا بر مبنای نقطه کانونی تنگه هرمز تعریف می‌شود. در این منطق، اگر قرار باشد دشمن فرامانطقه‌ای به ایران تجاوز کند، باید تبعات این تجاوز را هم بپذیرد و این تبعات لزوماً از جنس اقدام نظامی نیستند. هر مصداقی که بتواند گلوی دشمن را بفشارد، بخشی از راهبرد نظامی و امنیتی ایران خواهد بود. در این نگاه، تنگه هرمز یک کانون مهم برای برقراری هندسه امنیتی حول منافع ایران تعریف شده است. رفتار قدرتمندانه نیروهای مسلح در جنگ ۴۰ روزه و کنترل این تنگه راهبردی، حالا برای ایران خلق قدرت کرده تا با اتکال بر آن، نظام امنیتی خویش را در منطقه طراحی کند.

بر همین مبناست که ایران مدام تأکید دارد تنگه هرمز دیگر هیچ‌گاه به وضعیت پیش از جنگ ۴۰ روزه برنخواهد گشت. تجربه اخیر نشان داد که خویشتن‌داری سی‌واندی ساله ایران مانع از تهاجم و تجاوز نمی‌شود. در منطقه، کسی می‌تواند از منافع خود دفاع کند که دست قدرتمندتری برای اعمال اراده خویش داشته باشد و حالا تجربه جنگ نشان داده که ایران این توانایی را داراست. تنگه هرمز نه یک کارت موقت بازی، بلکه محور و سکوی اصلی برقراری نظام امنیتی و معادله بازدارندگی جمهوری اسلامی خواهد بود. بر همین مبنا هم نه فقط ائتلاف امریکایی - اسرائیلی، بلکه همه دنیا باید با وضعیت پیش از جنگ تنگه هرمز خداحافظی کنند. هرمز به وضعیت سابق بر نخواهد گشت. این عارضه خدادادی سوق‌الجیشی، بخشی از طرح و توان نظامی و دفاعی ایران خواهد شد تا دشمن دیگر اجازه تعدی به آب، خاک و آسمان ایران را به خود ندهد.

ایران از تنگه هرمز دست نخواهد کشید. این را امریکایی‌ها باید هر روز با خود تکرار کنند. امریکایی‌ها باید با نظم پیشین امنیتی منطقه خداحافظی و وداع کنند. دنیای جدید، دنیای اراده‌ها، نظم‌ها و واقعیت‌های جدید و نوین است و ایران تمام این‌ها را روی مفهوم هرمز بنا خواهد کرد.